



نامه‌ای که امپراتوری رسانه‌های غرب در برابر آن زانو زد

چند روزی است که از انتشار پیام روشنگر و الهام‌بخش رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و آمریکا می‌گذرد.

چند روزی است که از انتشار پیام روشنگر و الهام‌بخش رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و آمریکا می‌گذرد. خبری که علی‌رغم تلاش‌های زیادی که از سوی محافل سیاسی و رسانه‌ای غرب برای روبرو کردن انتشار آن با بن‌بست، صورت گرفت، به راحتی راه خود را باز کرد و در صدر اخبار رسانه‌های مختلف جهان قرار گرفت و با اینکه چند روز از انتشار آن می‌گذرد، همچنان از سوی رسانه‌ها و تحلیلگران مختلف، کلمه به کلمه آن مورد بررسی و حتی شمارش قرار می‌گیرد.

کلمه به کلمه پیام معظم انقلاب، از سوی رسانه‌های آمریکایی مثل هفته‌نامه تایم، رسانه‌های صهیونیستی مثل هآرتس و رسانه‌های دیگر غربی مورد شمارش قرار گرفت. به عنوان مثال هفته‌نامه تایم آمریکا در خصوص پیام رهبر معظم انقلاب نوشت: «آیت‌الله خامنه‌ای در نامه‌ای 900 کلمه‌ای درخواست‌های مشخصی از خوانندگان نامه ارائه کرده است»، یا برای مثال دیگر این قسمت از گزارش روزنامه صهیونیستی هآرتس را ملاحظه کنید: «آیت‌الله خامنه‌ای در این پیام 900 کلمه‌ای که در توئیتر منتشر شده است از خوانندگان خواسته تا دانش اسلام را از منابع اصیل و اولیه آن دریافت کنند.» این نوع نگارش به خوبی نشان می‌دهد که پیام رهبر انقلاب تا چه اندازه از سوی رسانه‌های خارجی و دولت‌های متبوعشان مورد توجه قرار گرفته است. در خصوص محورها و موضوعات، پرسش‌ها، درخواست‌ها، هشدارها و راهکارهای ارائه شده در محتوای پیام رهبر معظم انقلاب خطاب به جوانان اروپا و آمریکا مطالب و تحلیل‌های زیادی از سوی کارشناسان و تحلیلگران داخلی و خارجی منتشر شده است که در تمام این مطالب نیز بر پنج عنصر محتوای مناسب و غنی پیام، انتخاب درست مخاطب، خلاقانه بودن انتقال پیام، زمان‌شناسی درست و به موقع بودن ارسال پیام و در نهایت موثر بودن این پیام، اذعان و تاکید شده است.

در این میان واکنش رسانه‌های فارسی‌زبان و غیرفارسی‌زبان خارجی نیز در برخورد با این پیام، بسیار قابل توجه و تامل بود که در این گزارش، واکنش، رویکرد و تکنیک‌هایی که این رسانه‌ها از انکار تا اذعان به این پیام، دنبال کردند مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

اولین برخورد؛ بایکوت

بلافاصله پس از انتشار پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران خطاب به جوانان اروپا و آمریکا به چهار زبان انگلیسی، عربی، آلمانی و فرانسوی، این پیام بازتاب زیادی در رسانه‌های داخل، رسانه‌های همسو با کشورمان و شبکه‌های اجتماعی داشت و به شدت مورد توجه و بازنشر قرار گرفت اما رسانه‌های فارسی‌زبان و غیرفارسی‌زبان غربی و آمریکایی که جوانان کشورهای متبوعشان مخاطب این پیام بودند در ابتدا تکنیک حذف و سکوت را در دستور کار قرار دادند و تلاش کردند با برجسته کردن موضوعاتی خبری، همچون بحران قیمت نفت، تحریم‌های جدید آمریکا علیه کشورمان و فضا سازی در خصوص مقابله به مثل حزب‌الله در مقابل اقدام تروریستی صهیونیست‌ها در به شهادت رساندن رزمندگان حزب‌الله و سردار ایرانی، فضای رسانه‌ای را به سمتی ببرند که به کل، اذهان مخاطبان و افکار عمومی را از نامه رهبر معظم انقلاب دور کنند. اما پس از 24 ساعت و گسترش چشمگیر پیام رهبر معظم انقلاب در رسانه‌های مختلف جهان، دیگر بایکوت خبری جواب نمی‌داد و این رسانه‌ها مجبور به انعکاس این خبر شدند اما با توسل به یک تکنیک رسانه‌ای به نام «تکنیک گزینشی».

تکنیک انتشار گزینشی

در استفاده از تکنیک «گزینشی» اولاً خبر به صورت خلاصه منعکس می‌شود نه به صورت کامل و در بعضی از مواقع حتی خبر در حد یک تیتر و توضیحی کوتاه منعکس می‌شود و همان‌طور که از عنوان این تکنیک بر می‌آید رسانه‌ها تلاش می‌کنند با گزینش بخش‌هایی از متن یک خبر، قسمت‌هایی از آن را منعکس و منتشر کنند که تا حد امکان مخالف با اهداف و رویکردهایی که آنها پیگیری می‌کنند، نباشد و یا حداقل خنثی باشد و بخش‌هایی از آن خبر را که خلاف اهداف و منافع آنها است به کل حذف می‌کنند. در خصوص پیام روشنی‌بخش رهبر معظم انقلاب نیز رسانه‌های فارسی‌زبان و غیرفارسی‌زبان

غربی و آمریکایی بعد از اینکه مجبور به انعکاس آن شدند، همین رویکرد را دنبال کردند. این رسانه‌ها حتی در ابتدا فقط این پیام را در حد یک خبر کوتاه در پایگاه‌های اینترنتی خود منعکس کردند و در شبکه‌های رادیویی و تصویری خود اشاره‌ای به آن نداشتند. به عنوان مثال چند نمونه از انعکاس پیام رهبری در شبکه‌های غربی و آمریکایی را ملاحظه کنید: پایگاه اینترنتی شبکه بلومبرگ آمریکا: آقای (آیت‌الله) خامنه‌ای در پیامی از جوانان غربی خواست درباره اسلام مطالعه کنند و اشتباه قضاوت نکنند.

پایگاه اینترنتی شبکه بی‌بی‌سی: رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به جوانان اروپا و آمریکای شمالی، آنان را دعوت به مطالعه قرآن و زندگی پیامبر اسلام کرد تا از اسلام شناخت واقعی به دست آورند.

پایگاه اینترنتی بلومبرگ: آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران از جوانان در کشورهای غربی خواست اجازه ندهند حمله به دفتر نشریه فکاهی شارلی ابدو فرانسه و کشته شدن شماری از کارکنانش دیدگاه آنها را درباره اسلام تحت تاثیر قرار دهد.

اما این پایان کار برای این رسانه‌ها نبود و بعد از انتشار گسترده پیام رهبر معظم انقلاب در رسانه‌های مکتوب، دیداری، شنیداری، فضای مجازی و شبکه‌های مختلف اجتماعی، این رسانه‌ها نیز مجبور به انعکاس کامل پیام رهبر معظم انقلاب شدند اما باز هم با توسل به تکنیک‌های مختلف دنیای رسانه.

تکنیک حذف و تحریف

تکنیک مشترک و عمده‌ای که مجدداً رسانه‌های غربی و آمریکایی در این مرحله استفاده کردند تکنیک «حذف» بود و بسیاری از این رسانه‌ها دو قسمت عمده را از پیام رهبر معظم انقلاب حذف کردند. قسمت اولی که در بسیاری از رسانه‌های غربی و آمریکایی از پیام رهبر معظم انقلاب حذف شد قسمتی بود که در آن رهبر معظم ایران علت خطاب قرار ندادن سیاستمداران و دولتمردان را در پیام خود مطرح کرده بودند و در پیامشان بیان داشتند که چون معتقدند سیاستمداران و دولتمردان غربی و آمریکایی آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند آنها را در پیام خود خطاب قرار ندادند. اکثر رسانه‌های غربی این قسمت را از پیام حضرت آقا حذف کردند و بر قسمت دیگر این پیام که علت خطاب قرار دادن جوانان در پیام خودشان را مطرح می‌کنند، متمرکز شدند.

قسمت دیگری که رسانه‌های غربی و آمریکایی از پیام رهبر معظم انقلاب حذف کردند قسمتی است که به تاریخ‌نگاری‌های جدید اشاره می‌کند که در آن رفتارهای غیر صادقانه و مزورانه دولت‌های غربی با دیگر ملت‌ها و فرهنگ‌های جهان نکوهش شده است.

البته این رسانه‌ها می‌دانستند که با حذف قسمتی که در آن علت خطاب قرار ندادن سیاستمداران و دولتمردان از سوی رهبر معظم انقلاب در پیامشان، مطرح شده است، این سؤال برای مخاطبانشان به وجود می‌آید که چرا رهبر انقلاب صرفاً جوانان غربی را خطاب پیام خود قرار داده و سیاستمداران و دولتمردان غرب را خطاب قرار نداده است. به همین علت این رسانه‌ها به تکنیک «تحریف» متوسل شدند. به عنوان مثال برخی رسانه‌های غربی مثل بلومبرگ، فارین پالیسی و ترند در جهت تحریف پیام، این‌گونه به مخاطبان خود القا کردند که رهبر معظم انقلاب در گذشته به کرات بیان داشته‌اند که دشمنی ایران با دولت آمریکا است نه مردم آمریکا و با برجسته کردن این موضوع سعی کردند که آن را علت خطاب قرار دادن جوانان در این پیام معرفی کنند.

تکنیک اهمیت‌زدایی

اما رویکرد اصلی که رسانه‌های غربی آن را دنبال کردند، توسل به تکنیک «اهمیت‌زدایی» بود. این رسانه‌ها تلاش کردند به طرق مختلف و با توسل به تکنیک اهمیت‌زدایی به زعم خود در راستای بی‌اثر کردن پیام الهام‌بخش رهبر معظم انقلاب، حرکت کنند. این رویکرد بر دو محور اهمیت‌زدایی از صاحب پیام و پیام و اثرات آن بر مخاطبان متمرکز بود.

رسانه‌های فارسی‌زبان و غیرفارسی‌زبان خارجی تلاش کردند با برجسته کردن این موضوع که پیام‌دهنده یعنی رهبر معظم انقلاب هیچوقت نسبت به غرب خوشبین نبودند و شخصیتی هستند که همواره غرب و آمریکا را با جملات آتشین ضد غربی خطاب قرار می‌دهند، به مخاطبان خود این‌گونه القاء کنند که این پیام نیز یک پیام عادی مثل پیام‌های گذشته است تا به زعم خود به این صورت از اهمیت آن بکاهند. به عنوان مثال نشریه اینترنتی معروف فارین پالیسی آمریکا در مقاله‌ای به قلم «جاستین درنان» نوشت: «آیت‌الله خامنه‌ای که به ایراد سخنرانی‌های آتشین در محکومیت غرب به عنوان «شور» و «شیطان بزرگ» شهرت دارد، روز چهارشنبه نیز در نامه‌ای که روی اینترنت و در پایگاه توئیتر منتشر شده است از «جوانان اروپا و آمریکای شمالی» خواست تلاش کنند دین اسلام را بشناسند».

شبکه بلومبرگ آمریکا نیز دقیقاً همین رویکرد را در پایگاه اینترنتی خود، این‌گونه پیگیری کرد: آیت‌الله خامنه‌ای اغلب نسبت به غربی‌ها خوش‌بینی نشان نمی‌دهد. وی پارسال در آستانه مذاکرات هسته‌ای بر این باور بود که آمریکا پلید است. رهبر ایران هنگام تظاهرات ماه اوت در شهر فرگوسن آمریکا بعد از کشته شدن نوجوان سیاه‌پوستی به نام مایکل براون نیز با شغف، پیامی را درباره تبعیض نظام یافته در جامعه آمریکا بر روی پایگاه اینترنتی توئیتر منتشر کرده بود».

نیویورک تایمز نیز، رویکرد اهمیت‌زدایی و عادی‌انمودن پیام رهبر معظم انقلاب را این‌گونه پیگیری کرد: «تاکنون حدود دوازده پیام با عنوان «نامه برای شما» از حساب کاربری رسمی آیت‌الله خامنه‌ای فرستاده شده است و این دست پیامها کاملاً عادی شده است»

رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی همچون بی‌بی‌سی، صدای آمریکا، رادیو فردا و رسانه‌هایی از این دست، حتی پا را از این نیز فراتر گذاشته و علاوه بر اهمیت‌زدایی از پیام حضرت آقا، در راستای سیاه‌نمایی شخصیت ایشان نیز تلاشی قابل توجه داشتند. به عنوان مثال این قسمت از اظهارات احمد سلامتیان که مجری شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی وی را تحلیلگر مسائل ایران از پاریس معرفی می‌کند، ملاحظه کنید: «من بعید می‌دانم که گفتار یکجانبه تمامیت‌طلبانه شخصی که خود را برتر از دیگران می‌داند، از یک گوشه دنیا، اثری داشته باشد.»

این در حالی است که فقط توجه به این قسمت از پیام رهبر معظم انقلاب که متواضعانه و صراحتاً می‌فرمایند بنده اصراری ندارم که برداشت من از اسلام را بپذیرید، به تنهایی خط بطلانی بر این ادعای به اصطلاح کارشناس شبکه بی‌بی‌سی، می‌کشد.

اما رسانه‌های خارجی در راستای اهمیت‌زدایی از شخصیت صاحب پیام به این موارد بسنده نکردند و در اقدام مشترک بعدی، بر روی القای عدم شناخت رهبر معظم انقلاب از بافت فرهنگی، اجتماعی و مذهبی جوانان غربی متمرکز شدند. به عنوان مثال پایگاه اینترنتی وتران تودی در گزارشی به قلم کوین برت با عنوان «پیام آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب به جوانان در غرب» تلاش کرد آزادی مدنظر رهبر معظم انقلاب را با آزادی مد نظر آزاداندیشان مخالف مذهب، مشترک و موازی القاء کند تا به این ترتیب به زعم خود بتواند رویکرد مدنظر را در اذهان مخاطبان خود پیاده کند:

«برخی از خوانندگان پیام آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران ممکن است از این موضوع تعجب کنند که رهبر ایران خواستار آزادی عقیده و اندیشه شده است. زیرا در غرب، آزاداندیشان مخالف مذهب هستند. پیروان ارتدوکس در غرب در حال حاضر بر این باورند مذهب و آزادی اندیشه همواره با یکدیگر در تناقض قرار دارند و این دیدگاه غالب در مدارس و دانشگاه‌ها محسوب می‌شود»

و یا وقتی مجری شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی از کارشناس مهمان این شبکه می‌پرسد؛ مخاطب اصلی نامه آیت‌الله خامنه‌ای کیست؟ کارشناس مذکور در جواب به گونه‌ای پاسخ می‌دهد که مخاطب اینگونه برداشت کند که رهبر انقلاب برداشت و شناخت درستی از جوانان اروپایی و آمریکایی ندارد:

«واقعیت امر این است که برای دادن پیام به جوانان اروپا و آمریکا باید شناختی دقیق از ترکیب کلی این جوانان داشت. من فکر نمی‌کنم جوانانی که امروز از کشورهای اسلامی به اروپا و آمریکا آمده‌اند، جوانانی باشند که برای رسیدن به دنیای بهتر به اینجا نیامده باشند. اغلب اینها به کشورهای اروپایی آمدند چون در اینجا رواج و تحمل بیشتر دیده‌اند و در اینجا به مزایای بیشتری دسترسی دارند. با این وضعیت من نمی‌دانم چطور می‌شود که این جوانان به دستورات تبلیغاتی گوش دهند در صورتی که این دستورات و تبلیغات، حداقل آشنایی با ترکیب این جوانان، که بخش آنان ریشه عربی و آفریقایی دارند، می‌خواهد.»

محور دیگری که رسانه‌های خارجی در خصوص پیام رهبر معظم انقلاب خطاب به جوان اروپا و آمریکا دنبال کردند، اهمیت‌زدایی از خود پیام و القای بی‌اثر بودن آن بود. برای نمونه این قسمت از گزارش پایگاه اینترنتی شبکه سی‌ان‌ان را ملاحظه کنید: «تاکنون حدود دوازده پیام با عنوان «نامه‌ای برای شما» از سوی آیت‌الله خامنه‌ای فرستاده شده است؛ اما هیچ یک از پیام‌ها با استقبال فوق‌العاده و گسترده روبرو نشده است.»

مجری و کارشناس شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی نیز در یک سوال و جواب هدفمند، صراحتاً این رویکرد را دنبال کردند. این قسمت از گفتگوی آنها را ملاحظه کنید:

«سوال مجری شبکه بی‌بی‌سی فارسی: از دید شما چقدر ممکن است این پیام جدی گرفته شود؟

جواب کارشناس شبکه بی‌بی‌سی فارسی: در این طرف دنیا هیچی»

و یا این قسمت از اظهارات کارشناس شبکه صدای آمریکا را ملاحظه کنید:

«این پیام بیشتر یک حالت کار تبلیغاتی برای داخل دارد و در خارج از کشور آنچنان مخاطبی ندارد.»

اعتراف اجباری

اینها بخش کوچک و گزیده‌ای از رویکردها و تکنیک‌هایی بود که رسانه‌های غربی آمریکایی برای بایکوت کردن پیام رهبر معظم انقلاب و با بن بست روبرو کردن گسترش و انتشار آن، صورت دادند زیرا این رسانه‌ها و صاحبانشان می‌دانند در صورتی که به این پیام خوب پرداخته و درک شود، می‌تواند نقشه‌ای را که از سوی آنها برای جوانان اروپایی و آمریکایی کشیده شده تا آنها را به سوی اسلام‌ستیزی سوق دهد، بر ملا و بی‌اثر کند. اما نکته قابل توجه و تامل اینجاست که پیام رهبر معظم انقلاب آنقدر غنی و قوی بود که علی‌رغم تمام برنامه‌ها و تدابیری که رسانه‌های غربی و آمریکایی برای جلوگیری از گسترش آن ترتیب داده بودند، راه خود را باز کرد و گسترشی به واقع خیره‌کننده داشت، در حدی که پس از انتشار فراگیر آن تمام همین رسانه‌های غربی و آمریکایی در چرخشی قابل توجه، نه تنها مجبور شدند به هوشیاری و آگاهی رهبر معظم انقلاب اذعان و اعتراف کنند بلکه مجبور شدند به مناسب بودن پیام، خلاقانه بودن انتقال پیام، به موقع بودن و در نهایت موثر بودن آن نیز اعتراف کنند.

روزنامه پرتیراژ آمریکایی نیویورک تایمز که تلاش داشت با معرفی رهبر معظم انقلاب به عنوان فردی بدبین نسبت به غرب و تکراری و عادی معرفی کردن پیام ایشان، از پیام مذکور اهمیت‌زدایی کند، وقتی با گسترش چشمگیر پیام روبرو شد در چرخشی فاحش، نامه رهبر معظم انقلاب را ارتباطی نادر و قابل توجه در ارتباط مستقیم با جامعه غرب، ارزیابی کرد و

نوشت: «رهبر ایران در تلاشی نادر در نامه‌ای که در توییتر خطاب به جوانان آمریکا و اروپا منتشر شد، از آنها خواست اسلام را به دور از تعصبات و از منابع اصلی آن فرابگیرند.»

شبکه‌سی‌ان‌ان در مقابل اظهارنظر کارشناس شبکه بی‌بی‌سی فارسی که صراحتاً مدعی شده بود پیام رهبر معظم انقلاب در آنسوی دنیا هیچ مخاطبی نخواهد داشت، طی گزارشی اینگونه نوشت: «نامه رهبر ایران بعد از انتشار در شامگاه چهارشنبه، بلافاصله به سرعت در پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی مورد توجه و بازنشر قرار گرفت و لایک‌های زیادی را از سوی مخاطبان بخصوص جوانان در جهت تأیید محتوای آن، دریافت کرد.»

حتی نشریه اینترنتی فارین پالیسی آمریکا که رویکرد به شدت منفی در قبال پیام مذکور پیگیری کرده بود، در گزارشی که استقبال جوانان اروپایی از پیام رهبر ایران را مورد ارزیابی قرار داده بود، نوشت: «مروری در بخش نظرات مخاطبان پایگاه‌های اینترنتی شبکه‌های مختلف از توجه گسترده خوانندگان این پیام حکایت دارد که اظهارنظرهای آنان نیز در واقع محتوای این نامه را مورد تأیید قرار داده است.»

هفته‌نامه معروف ویک آمریکایی نیز در گزارشی تحلیلی پیام رهبر معظم انقلاب را مورد بررسی و تحلیل قرار داده استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای انتقال این پیام را ستوده و در قسمت دیگری در خصوص زمان‌شناسی قابل توجه رهبر معظم انقلاب در انتقال پیام خود نوشته است: «رهبر ایران زمان را به خوبی تشخیص داده است. وی درست تشخیص داده است که ارسال این نامه بعد از حملات پاریس، کاملاً ضروری بوده است و این نشان از آگاهی بالای رهبر ایران از تحولات حال حاضر است.»

پایگاه اینترنتی پرمخاطب اینتلیجنس نیز با اشاره و تأکید بر موفق بودن پیام رهبر معظم انقلاب نوشت: «آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران توانست با این پیام ارتباطی تلویحی میان تلاش برای منزوی کردن مسلمانان در غرب با رخدادهای اخیر برقرار کند و به جوانان بفهماند برای درک واقعیت‌ها در پشت پرده اسلام‌هراسی به صورت مستقیم به مطالعه اسلام روی آورند.» نشریه نیویورک مگزین آمریکا نیز در خصوص پیام رهبر معظم انقلاب اینطور نوشت: «پیام رهبر انقلاب به جوانان آمریکا و اروپا نشان از هوشیاری و آگاهی رهبر ایران در استفاده از وسایل ارتباط جمعی برای رساندن پیام‌های خود به مخاطبینش، است.»

کارشناس شبکه روسیالیوم نیز در خصوص پیام رهبر معظم انقلاب اینگونه می‌گوید: «پیام رهبر عالیقدر ایران یک اقدام مناسب، به موقع و خلاقانه بوده است و با توجه به تحولات اخیر در پاریس باید گفت ارسال این پیام کاملاً ضروری بوده است زیرا وقایع پاریس می‌تواند به شدت اسلام‌هراسی در غرب را تشدید کند و رهبر ایران با تشخیص درست خود تلاش کرد با این پیام تا حد امکان جلوی آن را بگیرد.»

اینها بخش کوچکی از اعترافات رسانه‌های غربی و آمریکایی بود که علاوه بر اذعان و اعتراف به هوشیاری و آگاهی رهبر معظم انقلاب به مناسب بودن، خلاقانه بودن، ارسال به موقع و در نهایت موثر بودن آن، بن‌بست رسانه‌های غرب را فروریخت و راه خود را به قلب‌های بیدار و حقیقت‌جوی باز کرد. البته این رسانه‌ها تنها رسانه‌هایی نبودند که به این واقعیت‌ها اشاره و تأکید داشتند زیرا پیام رهبر معظم انقلاب خطاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی بازتاب وسیعی در رسانه‌های مختلف منطقه، چین، روسیه، ترکیه، پاکستان، هند و سایر کشورها داشت. اما این پایان کار نیست. تمامی کارشناسان به این واقعیت اذعان دارند که این نامه حاوی مطالبی است که اگر به‌خوبی در جهان فعلی منتشر شود ضربه سنگینی بر دولتمردان اروپایی و آمریکایی وارد خواهد کرد. در طول چند دهه گذشته میلیاردها دلار صرف ساختن هزاران فیلم و هزاران ترفند شده است که اسلام اصیل از دید و از دسترس جوانان دور نگه داشته شود بنابراین طبیعی است که از هر تلاشی برای گم شدن این نامه در هیاهوهای تبلیغاتی دریغ نکنند همان‌طور که بعد از انتشار این نامه هر روز به بهانه‌های مختلف خبری و جوسازی و فضاسازی رسانه‌ای تلاش کردند تا حد امکان این نامه را در حاشیه قرار دهند و از اذهان و افکار مخاطبان دور کنند. با توجه به این واقعیت کاملاً مشخص است که پیگیری و بازنشر چنین پیامی در حال حاضر از اهمیت دوچندان برخوردار است و تمام نیروهای انقلابی و ارزشی به خصوص اهالی رسانه در هر کجای دنیا و به هر زبانی وظیفه دارند در جهت انتشار آن همت گمارند و برخلاف جریان رسانه‌های غرب این نامه را در اختیار جهانیان قرار دهند. این نامه با محتوای غنی خود می‌تواند یک آغاز دوباره و یک شروع مجدد برای شناخت اسلام باشد و ان‌شاءالله با انتشار آن موج جدیدی از اسلام‌شناسی در جهان به ویژه در اروپا و آمریکا آغاز شود.

*** گزارش از سعید سیفی**

کارشناس ارشد روابط بین الملل